

تئاتر معاصر فرانسه

ژان لوک دوژان Jean - Luc Dejean

قسمت دوم.

ترجمه: حسین وفایی

این سوررآلیسم که از آن به دفاع برمی‌خیزند در حال حاضر اولین غرامت اقبال کوکتو را بدوش می‌کشد. با وجود بی‌ثباتی کوکتو آنها دارای سلیقه‌ای مشترک هستند، و به تجدید نظریات و عقاید بزرگ مربوط به پایان قرن، در ارتباط با هنر دراماتیک پرداخته و شخصیت‌های افسانه و تاریخ را دوباره پردازش نموده‌اند.

ژان کوکتو (۱۸۸۹-۱۹۶۳)

حال به بحث و تحلیل پیرامون ژان کوکتو که نقشی بسیار مهمی را در تئاتر معاصر فرانسه ایفا نمود می‌پردازیم. کوکتو در سال ۱۸۸۹ در پاریس چشم به جهان گشود او به شعر، داستان نویسی - درام نویسی - فیلم نامه نویسی مبادرت ورزید. مردم در سال‌های قبل از جنگ به شخصیت این بزرگ مرد پی بردند و از او بعنوان یکی از «غول‌های مقدس» بین‌الحرین (جنگ اول و دوم جهانی) یاد می‌کردند.

ژان کوکتو به همه انواع ادبی دست برد. ما قبل از همه چیز او را بعنوان شاعری به تمام معنا می‌شناسیم.

آثار وی در زمینه تئاتر عبارتند از:

سان (۱۹۱۷) - شوهران بروج ایفل (۱۹۲۱) - کائو برهام (۱۹۲۰) - صدای انسان (۱۹۳۰) - شوالیه میزگرد (۱۹۳۷) - والدین مخوف (۱۹۳۸) - غول‌های مقدس (۱۹۴۰) - ماشین تحریر (۱۹۴۱) - رنود و آرمیه (۱۹۴۲) - عقابی با دو سر (۱۹۴۵) - باکوس (۱۹۲۵) (Bacchus) آثار اقتباس شده وی عبارتند از:

رومنو و ژولیت - آنتوین - بی پدر - ماشین جهنمی (اثر ادیب).

کوکتو در سال‌های بعد از جنگ (بین ۱۹۳۴-۱۹۲۶)، به علت علاقه وافرش به سینما و نقاشی روی دیوار کچی، به این دو روی آورد، تئاتر را رها ساخت و پس از آن دیگر چیزی در این زمینه برای ما باقی نگذاشت.

نمایشنامه «عقابی با دو سر» درامی است با افراط‌های روماتیک اثر دیگر وی بنام «باکوس» داستان مردمی است که خود را مصلح دین مسیح قلمداد می‌کند و ارزش‌ها و عقایدش را به هر جا می‌کشاند. کوکتو به گونه‌ای غیر مترقبه از صحنه کنار می‌رود، اما تأثیر او بر نویسندگان جوان همچنان باقی می‌ماند.



در قسمت نخست که در باره تئاتر الهام گرفته از سنت شامل: درام و کمدی، ارتباط کارگردانی و سنت، تأثیر گذشته نه چندان دور بر نویسندگان مطالبی ارائه شد که می‌توان آن را مقدمه‌ای کلی در باره تئاتر معاصر فرانسه قلمداد کرد. و اینک ادامه مطلب

«درگذشت دو نویسنده و شاعر فرانسه در دهه هفتاد»

«میشل گلدرون - ژان کوکتو»

در سال ۱۹۶۲ میشل گلدرون دارفانی را وداع گفت، و پس از گذشت یک سال از مرگ وی، کوکتو سراسر عالم ادبیات را متأثر ساخت در اینجا نبوغ دومی و استعداد اولی را نباید نادیده گرفت: البته چون یکی به تبعیت از دیگری تئاتر را در مسیر لیریسیم (Lyrisme)، کنار گذاشت تنها می‌توان از کوکتو به عنوان یک نویسنده و شاعر احساس گرا در هر دوره از زمانش یا بعنوان مبتگری پایدار یاد نمود.

ژان کوکتو نه تنها تابع مُد نیست بلکه خود را عامل بوجود آورنده آن می‌داند، او به طرفداری از اسنویست‌ها (Snobist) (هوا داران پیش داور) بر نمی‌خیزد بلکه آنها را نیز ابداع می‌نماید و پیوسته از تکبیک پیشرفت و بیانی منحصر به فرد برخوردار بوده است، او همانند کریستالی است که تشعشعاتش افراد زیادی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. او علیرغم گلدرون شجاع بی‌همتا - عجین شده با احساس خیر و شر و طرفدار لیریسیم مهیج و سبک باروک می‌باشد او به نمایش‌هایی می‌پردازد که از شهرت و آوازه‌ای چشمگیر برخوردارند چرا که از دیدگاه وی تنها می‌توان به اجرای اینگونه نمایش‌ها مبادرت ورزید.

تئاتر فرانسه کوکتوی مو شکاف و نکته بین در لیریسیم را به همراه گلدرون از دست می‌دهد. بعد از آنها کسی دیگر نمی‌تواند جانشین آنها گردد. ایندو بی شک از عمق و ژرفای یکسانی برخوردار نیستند. مردم فرانسه شاید گلدرون را صرف نظر از گذشته درخشان نمایش‌اش به بوته فراموشی سپارند، ولی علی‌رغم وی، از دیدگاه برخی کوکتو فردی تصنعی است که اثر زغال طراحی‌اش سال‌های سال اهمیت کار و تلاش وی را زنده نگه می‌دارد. حال در اینجا این سؤال مطرح است که ما چرا آنها را به زمان خود نزدیک می‌نماییم؟

اولاً به سبب اینکه گلدرون همانند کلیه خلاقان زمان ما از اقبال و شانس کمتری نسبت به کوکتو برخوردار است، ثانیاً هر دوی آنها به شکل متفاوتی در تضاد شعریشان دارای سوررآلیسمی (Surrealisme) هستند که اغلب منابع آنها الهام گرفته از آن است

افول تئاتر فلسفی

پدیده‌ای نمایشی:

از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۵۵ پدیده‌های نمایشی موفقی چون سارتر - مقامی عالی در فلسفه - و کامو - اومانیستی ژرف‌نگر - آشکار گردیدند. قدر مسلم این است که این دو مبتکر، جدای از مردم نبودند. آن دو مانند داستان سرایان، روزنامه نگاران و هجو نویسان از خود تصویر می‌سازند. کامو پس از آزدایش از زندان نشریه «کمپا» (مبارزه) را به رشته تحریر درمی‌آورد.

در سال ۱۹۴۶، سارتر برای دفاع و اقتباس و تصویر سازی از عقاید خود، جزایید «زمانهای نوین» را پایه گذاری نمود که بعد از گذشت ۲۵ سال هنوز به قوت خود باقی است.

با این حال در پرتو مسیر تئاتر بود که این دو اندیشمند وسیع ترین حضور خود را بدست آوردند. آنها نوعی تئاتر ارتباطی بوجود آوردند که کلمات را در دهان مردم گذاشته، که اگر هنر دراماتیک آن واقعاً هویدا می‌شد، استفاده زیادی به مردم می‌رساند مکتبی که سارتر در فرانسه پایه گذاری می‌کند، «گزیستانسیالیسم» است که کامو نیز نکاتی مفید به آن می‌افزاید. این مکتب سوادها و آرزوهایی در اذهان تشنه مردم برمی‌انگیزد. یک انسان شکاک و سرگردان، به سهم خویش عقاید سارتر را برای خود بهانه قرار می‌دهد و هر شب در غارهای «سن ژرمن دو پره» جا خوش می‌کند این افراط و زیاده روی در آثار سارتر (دهستی و نیستی، ۱۹۴۳ و «نقد دیالکتیک» ۱۹۶۰) بر خلاف معمول یک مکتب فلسفی، ماهیت تعلیمی خود را نشان می‌دهد.

در این سالها (۱۹۴۵-۵۵) ما شاهد یک دهه تولیدات تئاتر موفق هستیم، اما سارتر در نمایش «تکراسف» (۱۹۵۵) خود با شکست مواجه می‌شود. و بعد از آثار «گوشه نشینان آلتون» (۱۹۵۹)، «مجموعه رویدادها» (۱۹۶۹) که متنی برای مرکز نمایش Tmp بود و نیز «تروینهای اروپید» (۱۹۶۲) (که از شاهکارهایش بحساب نمی‌آید)، سارتر اثر دیگری به روی صحنه نیاورد. تقریباً همین عقب نشینی برای کامو نیز وجود داشت، او بعد از «معدان» (۱۹۴۹) و «حکومت نظامی» (۱۹۴۸) برای تئاتر چیز دیگری نوشت و آثار دیگرش محدود به مقالات و ترجمه‌هایی است که طی یازده سال قبل از مرگش نوشت بنابراین موفقیت تئاتر «فگوره» بعد از این ۱۰ سال در حالت سقوط و تنزل قرار می‌گیرد. البته واژه تنزل تنها در مورد تولید مصداق می‌یابد چرا که در طی این سالها هر چند که سارتر و کامو روی خوش به صحنه نشان نمی‌دهند ولی آثارشان همچنان در هر کاری همچنان برانگیز واقع می‌شود.

«کالیگولا» و «سوء تفاهم» در تمام نقاط دنیا ترجمه و اجرا شده‌است. از سال ۱۹۶۹ مرکز نمایشی Tmp در فرانسه اجرای نمایش «ابلیس و خدای مهربان» را دوباره اجرا کرد، به گونه‌ای که خبر این نمایش در سراسر پاریس پیچید.

نکته جالب دیگر اینکه وقتی «میشل میترانی»، «در بسته» اثر سارتر را در تلویزیون اجرا می‌نماید، مورد تمجید و ستایش منتقدین قرار می‌گیرد، اما او در واقع با اجرای این اثر سارتر را در مرتبتی

این درام نویس بلژیکی فرانسوی تبار، تقریباً اکثر آثار خود را قبل از جنگ نگاشته است. با وجود این او از سال ۱۹۴۷ به بعد شناخته شد. از او حدود سی نمایشنامه بجای ماند که عبارتند از:

«آهای آقا»، «جلاد»، «جهنم»، «شاه اسکوریال»، «سرهالین»، «مادموازل جیره»، «مکتب مسخره‌ها»، «دون ژوان»، «مرگ دکتر فوست»، «گریستف کلمب»، «باراباس».

در سال ۱۹۴۶ «آندره ری باز» و «کاترین توت»، در پاریس، گلدرون را شناختند گلدرون قادر به ایجاد هیجان، ترس، شگفتی و تأثیر عمیق در تماشاچی است. شخصیت‌های تئاتری وی در مقابل دیدگان ما «رقص فراندول غنایی عامیانه» و حالات تأثیر گذار و عجیب و غریب را اجرا می‌کنند در نمایش‌های گلدرون بازیگران با اینکه کفر و ناسزا می‌گویند اما خدا همه جا حضور دارد.

در این نوع تئاتر تمامی ابزار و وسایل بکار گرفته شده‌اند تا دنیای باروک و آسورد را به ما نشان بدهد. در اینجا سیرک، موزیک هال (Hall Musique) و حتی غروسک یافت می‌شود در ورای این شیوه‌ها و مبالغه‌ها یک لرزش عجیب و مخوف و افسونگر از جانب مرگ، که ما را با خشونت شدید خود در بر می‌گیرد، دیده می‌شود.

تعدد نقش و ترسیم عجیب اشخاص غالباً نقد نمایشنامه‌هایی از این نوع، به خصوص «ژروم بوش» و «بروگل» را مشکل و پیچیده می‌سازد.

اما در این حیظه بیش از یک تصور وجود دارد که گاهی توسط وحشت کلمات بیان می‌گردد و گاهی هم بوسیله حرکات بازیگران هر روز می‌یابد و نیز در این سبک نمایش کشش و جاذبه‌ای زیاد به منظور ارتباط گذشته به حال و برای ظهور زمان و زبان وجود دارد. این نمایشنامه «دکتر فوست» همزمان در زمان ما و زمان خود زندگی می‌کند. در «باراباس» ما شاهد به صلیب کشیدن مسیح هستیم و در همین اثنا که او را بر روی تپه‌ای به دار می‌آویزند، عده‌ای از سارقین دیده می‌شوند. قانون مسلم تاریخ هنرها بر این اصل استوار است که هر کشش به سبک باروک در جدال با یک شیء از مد افتاده است. ولی در ادبیات، این ارتباطات بیش از پیش از هم گسسته شده‌اند. همچنین یونسکو در وجود گلدرون چیزی که جز یک آزادی خوشایند باشد، نمی‌یابد.

گلدرون جایگاه مهمی در حرکت تئاتر دارد که این حرکت از سال ۱۹۵۵ ادامه یافته است. در این جا ذکر یک نکته ضروری است. گلدرون در آثارش همه جا وحشت خود را از «استعداد خلاق تئاتر» ابراز می‌دارد و بجای آن غریزه را ترجیح می‌دهد. نمی‌توان گفت که گلدرون سالن‌های نمایش سارتر و کامو را خالی از تماشاچی کرد. در عوض باید اقرار کرد که او در زمان ما از پیش کسوتان اندیشه نخستین درام ظاهری در مقابل درام باطنی است.

و به یک باره با وفاداران «Theatre Total» (تئاتر کلی) نظیر «آنتونی آرتو» و نیز با نویسندگان اگزیستانسیالیست با وجود گرایش آنها به غریزه به مخالفت بر می‌خیزد.



بحساب می‌آید، در مورد برخی از نمایشنامه‌های او مانند «مگس‌ها» و «در بسته» باید اظهار داشت که آنها هنوز در زمرهٔ بهترین آثار کلاسیک قرن بیستم مورد توجه قرار می‌گیرد.

چنین بنظر می‌رسد که قهرمان مسخ شده سارتر همواره بیانگر یک مفهوم و برداشت مشخص از انسان در قبال خویش و جامعه می‌باشد. از دیدگاه سارتر وجود بر ماهیت تقدم دارد. این بدین معناست که انسان قبل از بوجود آمدن سر نوشت و ماهیتش از پیش رقم نخورده است.

اکثر نمایشنامه‌های سارتر حاوی جنبه‌های متنوع ادراک شخص در وزای حالات دراماتیک می‌باشد. از اولین آثار وی درام «انسان» است که بر مواجههٔ انسان با اعمالش تاکید دارد. در همین راستا با شکلی جدید بخش‌های بزرگ تراژدی نوین به هم ارتباط می‌یابند. در نمایش «مگس‌ها» عظمت و شکوه حاکم است ولی با وجود این پیچیدگی اندکی عمل یا کنش (Action) کاهش می‌یابد.

درام «اورست» (Oreste) که در پاریس غریب واقع شده، با عکس العمل‌های خصمانهٔ مواجهه می‌گردد. «در بسته»، شاهکار دراماتیک کوتاه سارتر از کشف یک راز بزرگ برخوردار است. در یک دوزخ بی‌شعله، مردی وارفته و یک زن همجنس باز و زنی بی‌رقم به زندگی با یکدیگر محکوم شده‌اند. هیچ کدام از آن‌ها قادر نیست از خود بگریزد. این گفتهٔ «اینس» به «گارسن» در یکی از صحنه‌های نمایش است: «تو چیزی جز زندگی خودت نیستی». در نمایش «مردگان بی‌گوره» هستی دیگری احساس می‌گردد. در این اثر گروهی از مقاومان زندانی نشان داده شده‌اند، که تنهایی و امید آنها

بالاتر از آنچه که بود به تماشاچی معرفی می‌کند. در حین اجرای این نمایش سر و صدای فریادهای شادی بخش تماشاچیان آنچنان بود که گویی به یک پیام دراماتیک گوش فرا می‌دهند.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که هر چند که این نویسندگان در گذشته آثار خوبی ارائه داده‌اند ولی لازم است اصالت و ماهیت و دستاورد هنری آنها بار دیگر مرور گردد.

ژان پل سارتر

ژان پل سارتر فیلسوف و رمان نویس مشهور در پاریس متولد شد، تحصیلات خود را در مدرسهٔ عالی گذراند و استاد فلسفه شد. او رهبر مکتب اگزیستانسیالیسم است سارتر در سال ۱۹۶۴ برنده جایزه ادبی نوبل گردید ولی آنرا رد نمود.

نمایشنامه‌های او عبارتند از «مگس‌ها» (۱۹۴۳)، «در بسته» (۱۹۴۴)، «دروسی بزرگوار» (۱۹۴۶)، «دست‌های آلوده» (۱۹۴۸)، «ابلیس و خدای مهربان» (۱۹۵۱)، «تکراسف» (۱۹۵۵)، «گوشه نشینان آلتونا» (۱۹۵۹)، «اقتباس کن» (۱۹۶۴)، «دروم‌اس» «تروین‌های او ریپید» (۱۹۶۵) و «مجموعه رویدادها» (۱۹۶۹). سارتر قبل از هر چیز یک فیلسوف است. او را نمی‌توان اندیشمندی قلمداد کرد که تجردگرایانه به تعمیم تئوری‌هایش به کمک رمان یا نمایش می‌پردازد. او انسانی است اهل کنفرانس، مقاله نویسی، جدل و در یک کلام نویسنده‌ای توانا و مقتدر. در سال ۱۹۳۸ «تئوع»، استعداد داستان نویسی وی را آشکار ساخت، که این اثر خود یکی از برترین‌های روزگار ما



جذب هم زیستی انسان می‌شود. به عقیده سارتر آنچه ما را احاطه کرده، تسکین ناپذیری و ماهیت ترازوی کمندی «ابسورد» است. او با میل مستمرش به حیات و رهاسازی زندگی از روش ساختاری خود را از حالت «ابسوردیته» خارج می‌کند. ولی برداشت منفی که از

تئوری‌های او گرفته می‌شود را می‌توان به عنوان یک قاعده زندگی در نظر گرفت؛ قاعده‌ای از آفرینش ادبی و دراماتیک. تئاتر نو مکرراً این مهم را برای ما به اثبات می‌رساند.

آلبر کامو (1913-1960)

آلبر کامو رمان نویس مشهور متولد الجزایر در سال ۱۹۱۳ است. مطالعات وی در زمینه فلسفه بود. ولی به دلیل یک بیماری ربوی مطالعات خود را متوقف ساخت. او یک گروه کمندی آماتور را راه اندازی کرد. در سال ۱۹۳۵ نمایشنامه‌های گوناگونی اقتباس نمود. مسافرت‌هایی نیز به کشورهای متفاوت داشت. «پشت و رو ۱۹۳۷» و «عروس ۱۹۳۸». «افسانه سیزیف ۱۹۴۳». او را در گروه نویسندگان اگزیستانسیالیسم قرار دارد. او این افتخار را بعد از آزادیش با سارتر تقسیم کرد. کامو در سال ۱۹۴۴ جایزه اول نوبل را دریافت داشت و در سال ۱۹۶۰ چشم از جهان فرو بست.

آثار وی در زمینه تئاتر عبارتند از: «سوء تفاهم ۱۹۴۴» و «کالیگولا ۱۹۴۵» حکومت نظامی ۱۹۴۸ و «عادلان ۱۹۴۹». اقتباس‌هایی را نیز که انجام داده عبارتند از «ارواح از لاریوی» و «قدس بر صلیب» از گلدرن، «دعا برای یک راهبه» از ویلیام فاکنر، «شهباز آلوده» از لوب دو وجا و «جن زدگان» از داستایونسکی، بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۹.

کامو هم مانند سارتر متفکری شاخص در روزگار ماست. ظهور رمان کوتاه «بیگانه» ۱۹۴۲ و سال بعد «افسانه سیزیف» ۱۹۴۳ (که افسانه‌ای کهن و سمبل پوچی جهان است). او را نزدیک به فلسفه

را شکنجه و آزار می‌دهد. در اینجا وجود شجاعت و هستی به یک اندازه در مقابل مرگ بی‌فایده نشان داده شده است. در این اثر رخوت و پایانی مملو از تنفر و انزجار برای محدود کردن و قطع رابطه با دیگران به چشم می‌خورد.

انتشار نمایشنامه «دست‌های آلوده» در کتابخانه‌ها از مرز ۴۵۰۰۰ نسخه گذشت، این اثر بهترین درام سارتر است که تعهد چشمگیری در مقوله سیاسی روزگار ما از خود نشان می‌دهد. در این نمایش یک کمونیست جوان بنام «هوگو» باید یکی از رهبران جناح سازشکار را با انتخاب طروق غیر قابل توجیه و به منظور دستیابی به هدف سیاسیش به قتل برساند، زمانی که دسیسه پیش می‌رود، ما در می‌یابیم که این «خبانت» (سارتر با طرح این کلمه خشن حقه بازی‌ها را مطرح می‌کند)، فردی نیست، بلکه گروهی می‌باشد. این عمل نیز عقلانی نبوده بلکه ناشی از زندگی پوچ اوست. چرا که این شخص مخلص دیگر آلوده شده است و حتی زمانی که همسرش را در آغوش مرد دیگری می‌بیند او را می‌کشد. در پی آن، جنبه اخلاقی - اجتماعی اگزیستانسیالیسم پیش از پیش، نویسنده بدبین «در بسته» را شیفته می‌سازد، او در ابتدا با کامو که در بشر ایجاد امید می‌کند، به مخالفت برمی‌خیزد. سارتر به نوبه خود سعی در یافتن حد اعتدالی بین مارکسیسم و فردگرایی دارد. او با وجود فیلسوف بودن تعهداتش را توجیه می‌کند. در نمایش «ابلیس و خدای مهربان» بین عظمت خدا و خسونت شیطان در دوزخ و بهشت جدالی در می‌گیرد که چهار ساعت بطول می‌انجامد. این چهار ساعت در درام «گوشه نشینان آلتونا» نیز به چشم می‌خورد. این اثر درامی سیاسی با مضمونی داغ است که تهایی دو انسان بنام «فرانس» و «ژووانا» را نشان می‌دهد. او (سارتر) نویسنده‌ایست که نویسندگان دیرخانه را تحقیر می‌کند و همچنین جایزه نوبل را قبول نمی‌کند.

تئاتر او در بی‌ذوقی زندگی می‌کند. برخی در حال حاضر معتقدند که آثار او در زمان ما از یادها خواهد رفت؛ در این تئاتر فضای از انزجار در قبال زندگی باقی می‌ماند که این عامل باعث

اگرستانسالیسیم نشان داد و برای او یک موفقیت ادبی را به ارمغان آورد که تا سالیان سال و حتی تا زمان وفاتش ادامه یافت. تاریخ کدورت او با سارتر که به زمان چاپ «انسان طاعون» ۱۹۵۱ برمی گردد، نباید باعث این قضاوت شود که فاصله‌ای بین افکار این دو نویسنده افتاده است؛ مسلماً کامو دوستش را به این متهم می‌کند که خود را در تاریخ محسوس ساخته و او را به دلیل افراطش در بدبینی نسبت به طبیعت انسان مورد سرزنش قرار می‌دهد. کامو یک اومانیتست (انسانگرا) مدرن است. همه چیز بیانگر مفاهیمی است که او را احاطه کرده است. او به انسان کمک می‌کند که خود را در زمان خویش به کمال برساند. در این وادی لیرسیم (تغزل گسرایبی) یک معنایی از انسانیت وجود دارد که از آثار سیاه عبور می‌کند. بی پرده بگوئیم که او خود را از ناامیدی و یاس تغذیه نمی‌کند. آنچه باعث نادیده گرفتن او می‌شود، گرایش و عشق بیش از حدش به تئاتر است. او هنگامیکه کمندی بازی می‌کرد و تئاتر کارگری و نشستهای گروهی در الجزایر بر پا می‌نمود، بیشتر از بیست سال سن نداشت. اینکه می‌گویند او نمایشهای مکوبی را با خون برافراشت واقعیت دارد.

روش کار او مانند «شورش در آستریا» که از زبان معدنکاران بود، باعث انقلابی در شهر شد و دیری نپایید که افتخار داستاننویس و فعالیت روزنامه‌نگاری او نیز از اولین شکستش دور نماند، حتی هنگامیکه در اواخر عمرش به اقتباس از آثار دیگران پرداخت. ۴ نمایشنامه اصلی را که او نوشت از دو دوره متفاوت تحولش نشئت می‌گیرد. «کالیگولا» و «سوء تفاهم» تراژدیهای پوچ و همراه با بدبینی هستند.

«کالیگولا» حکایت ظلم و جور حاکمی پوچ گرا بر مردمی است که سعی دارند از بوغ ظلمش رهایی یابند. او برای ابراز وجود و اعمال آزادی‌اش از هر طریق ممکن از مردم مالیات طلب می‌کند و جنایت‌هایی نیز مرتکب می‌گردد و هر گونه احساس بشر دوستی را رد می‌کند. در نهایت او خسته از این زیرانی و خرابی درمی‌یابد که آزادی‌اش مطلوب نیست و نیچتا بدون هیچ گونه عکس العملی کشته شدن توسط دشمنانش را پذیرا می‌شود.

«سوء تفاهم» تفسیری فلسفی از مهمانخانهٔ بیلافی «پیرول» می‌باشد. مارتا و مادرش همدارند و مهمانان را به قتل می‌رسانند تا چیزی از آنها بریابند. یک روز برادر واقعی مارتا و به عبارتی پسر واقعی خانواده بنام «جان» که بطور ناشناس بعد از ۲۰ سال غیبت، بالاخره سرمست از خوشبختی، برای تقسیم مال و منالاش بین خانواده خود به میهن بازگشته به هتل می‌آید. او برای شوخی و مزاح هویت خود را برای مادر و خواهرش فاش نمی‌کند. باری آنها او را نیز به قتل می‌رسانند. سپس در هنگام جستجو در اوراقش وی را می‌شناسند. در این حال آنها برای جبران این «سوء تفاهم» دست به خودکشی می‌زنند. پایان این داستان سمبلی از سنگ دلی قانون «انسورده» است. استعداد نویسنده، خلوص گفتار و مهارت ساختار دراماتیک او، منجر به خلق یک تراژدی وحشت‌انگیز و ملودرام پوچ گذار شده است.

سعدی: «جانشانم» و «عصیانگر» که سارتر را به خشم آورد

نمایش‌های کامو بخشی از این شورش را به همراه دارند و طوری عمل می‌کنند که قادرند فرد را از نابودی حتمی توسط «انسوردته» (پوچی) برهانند. «حکومت نظامی» زمینه‌سازی دراماتیک برای ظهور «طاعون» بود. «طاعون» شهر کادپوی را فرا می‌گیرد. واگیری و مرگ در آنجا صدمات و خسارات فراوانی بر جای می‌گذارد و باعث ایجاد ترس و وحشت میان ساکنان آن دیار می‌گردد، اما Biego «بیگو» با طاعون به مبارزه برمی‌خیزد. و ترس ناشی از آن را نمی‌پذیرد. شورش او میل به زندگی را مجدداً به شهر باز می‌گرداند. در اینجا باز هم شیوه سمبولیک به وضوح هویداست. «طاعون»، همان رخوت و سستی مسری است که با هر ظلم و جوری همراه می‌شود.

نمایشنامه «عادلان»، تروریستی متفکر و شورشی‌ای احساساتی را نشان می‌دهد که باید یکی از خویشان ترار را به قتل برساند. این نمایش در سال ۱۹۵۵ در مسکو بروی صحنه رفت. در این اثر به وضوح دیده می‌شود که چگونه کامو از اگرستانسالیسیم سخت‌مقدر، گریزان است. بخصوص که در ورای، «عادلان» که تهرمانش (کالیویا) در نهایت به قتل می‌رسد، «انسوردته» جهان در وجودش باور می‌شود. از دیدگاه کامو کلمات اخوت و مودت بیشتر از روی احساس بروز می‌یابند؛ او به آنها یک ارزش نو می‌بخشد و احترام آنها را حفظ می‌کند. بدین ترتیب در درون این تباهی‌هایی که در آثار این نویسنده وجود دارد، در سال‌های اخیر ما آزادی انسان توسط اسان را همانند یک آزادی موسمی و گذرا شاهد هستیم. این جهش که بی شک به سوی یک اخلاق اجتماعی بی حد و حصر منحول شده، با مرگ کامو شکسته می‌شود. این مرگ «انسورده»، بناگاه خودش هم برای کسانی که بدو عشق می‌زدند، واقعی و غیر قابل فهم شد. نویسنده نمایش «عادلان» سال ۱۹۵۹ پذیرفت که یک تئاتر تجربی به رشته تحریر درآمده است. به همین سبب او در بیانیه‌ای، تئاتر را با یک جامعه ایده‌آل آینده مقایسه کرده که هر عنصر آن تشکیل دهندهٔ هارمونی و وزن کامل توسط وحدت نویسنده، کمترین‌ها، کارگردان و تماشاچی است. آیا کامو با وجود کارگردانان نمایشی و انیماتورهای بی‌استعداد، درمی‌یابد که عظمت روپایش برای مدتی طولانی بدور از واقعیت باقی خواهد ماند؟

آلبر کامو، درام نویس بدبین و شاعر و عاشق خورشید و دریا، ده سال بعد از مرگش به عنوان نویسنده‌ای خوشبخت به ما معرفی می‌گردد. اثر ناتمامش توسط جوانانی که دنباله روی وی هستند خوانده شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. مردم زیبایی و لطافت این گفتار و بیان خالص را تحسین می‌کنند و این زبان حتی با پیامهای مبهمش همواره با امید همراه بوده است. سارتر به دستیابی به نمایشنامهٔ ادامه می‌دهد ولی کامو بدون فتحی نمایان، تماشاچی را که پیچیدگی‌های درام متافیزیک را پشت سر گذاشته و به ذکاوت دل بسته را درمی‌یابد.

اشتراک سینما تئاتر

اشتراک مجله، بهترین شیوه دریافت مجله است، شما با مشترک شدن مجله سینما و تئاتر خیالتان برای یکسال آسوده است، چراکه علیرغم افزایش هزینه‌های سرسام آور کاغذ و چاپ و حروفچینی و ... قیمت مجله برای شما در طول سال همان مبلغ ثابت باقی خواهد ماند.

از سویی اشتراک مجله، بالاخص در نزد علاقمندان و هنرمندان تئاتر و سینما به نوعی پشتوانه‌ای است مالی و فرهنگی برای مجله نوپای سینما و تئاتر. پس با مشترک شدن و قرار گرفتن در جمع خانواده سینما و تئاتر ما را در این کار مهم فرهنگی و هنری یاری دهید.

قابل توجه دانشجویان و هنرمندان تئاتر و سینما

ماهنامه سینما و تئاتر بمقتور تعالی دانش هنری، اشتراک سالانه و شش ماهه مجله را برای دانشجویان رشته‌های مختلف هنر، اعضای انجمن‌های نمایش در سراسر کشور و خانه سینما (صنوف مختلف) با در نظر گرفتن ۱۵٪ تخفیف به علاقمندان تقدیم می‌نماید. برای استفاده از این تخفیف و سه آزمون را با احتساب تخفیف به حساب جاری این مجله واریز به همراه فیش پرداختی فتوکپی کدورت شناسایی معتبر را ضمیمه فرمائید.

شرایط اشتراک:

- لطفاً برای اشتراک مجله سینما و تئاتر فرم اشتراک را پر کرده و به همراه مبلغ اشتراک به نشانی مجله ارسال نمایید.
 - فتوکپی فرم اشتراک نیز پذیرفته می‌شود.
 - بهای اشتراک مجله: تا پایان سال ۱۳۷۴/۱۸۰۰۰ ریال برای ۱۲ شماره ۹۰۰۰ ریال برای ۶ شماره
 - اروپا و امریکا ۳۰۰۰۰ ریال
 - سایر کشورها ۲۵۰۰۰ ریال
- برای عضویت در خانواده سینما و تئاتر، می‌توانید مبلغ مورد نظر را به حساب شماره ۴-۲۹۸۹۵ بانک ملت - شعبه مرکزی (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک‌های ملت) واریز و اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک یا فتوکپی آن به آدرس: تهران - صندوق پستی ۵۷۷۸-۱۴۱۵۵ ارسال نمایید.
- لطفاً بشت پاکت حتماً عبارت «بخش اشتراک سینما تئاتر» قید شود.

مطمئن باشید بیشترین مزایای اشتراک را از دیگران مجله را دریافت خواهند کرد.

فرم اشتراک

سینما تئاتر

نام و نام خانوادگی سن شغل

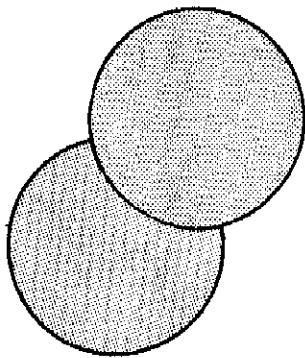
میزان تحصیلات

کد پستی تلفن

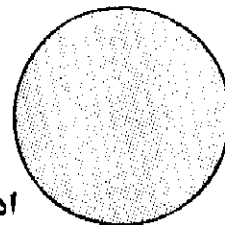
نشانی

شماره اشتراک

اشتراک از شماره تا شماره



اطلاعیه پنجمین جشنواره سراسری
تئاتر کودک و نوجوان (امید)
همدان - ۱۳۷۴

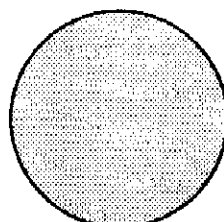
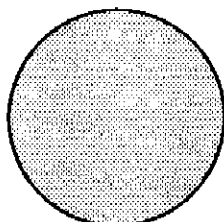


اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان با همکاری مرکز هنرهای نمایشی از تاریخ ۶/۸/۷۴ لغایت ۱۳/۸/۷۴ که مصادف است با سالگرد شهادت بسیجی قهرمان حسین فهمیده و روز دانش آموز، با هدف رشد و شکوفایی استعدادها، جهت دستیابی به ارزش‌های فرهنگی و هنری و داشتن تئاتر کودکان با ویژگی‌های موضوعی (تربیتی، آموزشی، سازندگی) اقدام به برگزاری پنجمین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان امید خواهد نمود.

شرایط شرکت در جشنواره:

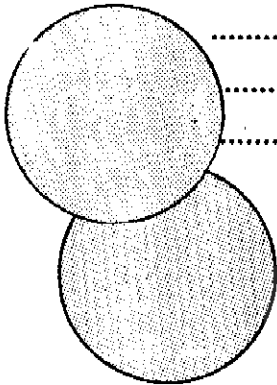
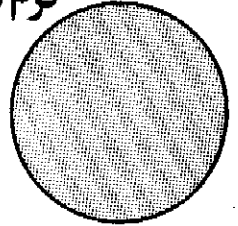
- ۱- متون درخواستی جهت شرکت در جشنواره ترجیحاً ایرانی باشند.
 - ۲- موضوعات برگرفته از تاریخ اسلام، انقلاب، جنگ تحمیلی، آموزش و تربیت در اولویت می‌باشند.
 - ۳- محتوای نمایشنامه برای کودکان و نوجوانان باشد.
 - ۴- متون پیشنهادی نبایستی در هیچ یک از جشنواره‌ها شرکت کرده باشد.
 - ۵- متونی که قبلاً اجرا شده باشند از امتیازی برخوردار نخواهند بود.
 - ۶- لازم است که نمایشنامه‌های پیشنهادی در سه نسخه کاملاً خوانا به همراه فرم پیوست حداکثر تا تاریخ ۱۰/۶/۷۴ به آدرس: تهران خیابان حافظ، جنب تالار وحدت، مرکز هنرهای نمایشی، امور جشنواره‌های تئاتر ارسال شود.
- توضیح: متقاضیان می‌توانند نمایشنامه‌های خود را مستقیماً نیز به امور جشنواره‌ها تحویل نمایند.

امور جشنواره‌های تئاتر
مرکز هنرهای نمایشی



فرم درخواست جهت شرکت در پنجمین جشنواره سراسری

تئاتر کودک و نوجوان (امید) همدان - ۱۳۷۴



- ۱- نام و نام خانوادگی متقاضی.....
- ۲- نام نمایشنامه.....
- ۳- نویسنده..... ۴- کارگردان.....
- ۵- نام استان..... ۶- نام شهرستان.....
- ۷- سوابق تحصیلی.....
- ۸- سوابق تجربی تئاتری.....
- ۹- شغل فعلی متقاضی.....
- ۱۰- دفعات شرکت در جشنواره کودک و نوجوان.....
- ۱۱- تعداد صفحات نمایش.....

۱۲- خلاصه موضوع نمایشنامه حداکثر در ۵ سطر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتان جامع علوم انسانی

- ۱۳- تعداد بازیگران نمایش.....
- ۱۴- آدرس دقیق و کامل متقاضی.....

شماره تلفن..... (کد شهرستان.....)

آدرس گیرنده: تهران، خیابان حافظ، جنب تالار وحدت، مرکز هنرهای
نمایشی، امور جشنواره‌های تئاتر، کدپستی: ۱۱۳۳۴

امور جشنواره‌های تئاتر
مرکز هنرهای نمایشی

